

در هر اتاقی، محل های امن را مشخص کنید (مثلا زیر یک میز محکم یا کنار ستونها یا دیوارهای مجاور آنها).



وزیر نیرو:
مدیریت برای جلوگیری از قطع برق

رزارد کانیان، وزیر نیرو در حاشیه جلسه هیأت وزیران گفت: «به کلیه استانداران اجازه داده شد که با توجه به اطلاعاتی که شرکت های توزیع برق عرضه می کنند و همچنین وضع دما و شرایط کشور برای تغییر ساعت کار ادارات تصمیم گیری کنند، به نحوی که دستگاه های سرمایشی فشار کمتری به شبکه های برق بیاورند، تا با قطع برق و کمبود تولید و خاموشی مواجه نشویم. اجرای این مصوبات تاکنون تجربیات بسیار خوبی به همراه داشته است و از سال گذشته حدود ۲ هزار مگاوات در مجموع توانستیم مدیریت مصرف کنیم.»

گزارش تصویری



آتش سوزی ۴۴ هکتار از جنگل های چهار محال و بختیاری، (رکتا)



اجرای صحنه ای گروه دواتیسم (مبتلایان به بیماری سندرم داون و اوتیسم)، سمنشهب هزم مان بار و زهریستی در مرکز همایش های بین المللی سیتی سترا اصفهان برگزار شد. (ایرنا)



بیرون آیین منادی در حال غسل تعقید، منادیان در خوزستان ساکن و پیر و بیخای پیامبر هستند. (انتخاب)



«کورت استینگری» هم ۱۹۶۴، شاهکار طراحی شورولت در تهران! (مشرق)

ذره بین

نماینده مردم شیراز در مجلس از بررسی نام گذاری یک روز در وزارت کشور خبر داد: کوروش را به تقویم ایرانی راه می دهند؟

آبان ماه سه سال پیش بود که عده بسیاری از مردم به آرامگاه کوروش در شهرستان پاسارگاد استان فارس رفتند تا سالروز ورود کوروش به بابل را که به عنوان «روز کوروش» معروف است گرمی دارند. نتیجه اما خوب نبود و بسیاری این گردهمایی را نادرست دانسته و به آن تاختند. پس از آن بود که تعدادی از باستان شناسان و تاریخ پژوهان ایرانی در نامه ای خطاب به معاون استاندار فارس خواستند که هفتم آبان به عنوان «روز کوروش بزرگ» در تقویم رسمی ثبت شود. آنها برای اثبات چنین روزی به متن کتیبه بابلی استناد کردند و توضیح دادند که نام گذاری چنین روزی ربطی به «معاندان و سلطنت طلبان» ندارد. «موضوع بنیادگذار سلسله هخامنشی که اندیشمندان دنیا او را با نام Cyrus the Great (کوروش بزرگ) می شناسند، از گروهک های معاند جداسد و در صورت مدیریت درست توسط مردم و مسئولان، نه تنها امکان استفاده ابزاری از این روز به دست فرصت طلبان نخواهد افتاد، بلکه گرمی داشت این روز می تواند نقشی موثر در ایجاد وحدت ملی و همبستگی همه ایرانیان و دستیابی به توسعه گردشگری در استان فارس داشته باشد.»

مهرماه سال گذشته هم بهرام پارسایی، نماینده شیراز در مجلس در خواست نام گذاری روز کوروش را مسأله ای کاملاً اجتماعی و فرهنگی دانست و از این که «این موضوع امنیتی شده است» انتقاد کرد و گفت: «این موضوع امنیتی شده است. در دنیا مسائل امنیتی را برای کاهش هزینه های ناشی از آن، به مسائل فرهنگی و اجتماعی تبدیل می کنند. ما کاملاً نقطه عکس آنیم.» او همان زمان از شورای امنیت ملی در خواست کرد که با دعوت از کارشناسان و اساتید تاریخ و داشتن اطلاعات کامل تهدیدات امنیتی و پدیده کاهش عرق و هویت ملی، در این باب تصمیم گیری کند.

از صحبت های او در مجلس حدود ۱۰ ماه می گذرد و پس از گذشت این زمان پارسایی روز گذشته از بررسی موضوع نام گذاری روز کوروش در وزارت کشور خبر داد و گفت: «البته این موضوع باید قاعده تا به وزارت ارشاد ار جاع می شد، اما به هر حال به وزارت کشور ارجاع شده و این وزارتخانه با درایت آن را به بخش اجتماعی برای رسیدگی فرستاده و قرار است جلسات تخصصی بین وزارت کشور و وزارت ارشاد برگزار شود و من هم در این جلسات حضور پیدا می کنم تا به جمع بندی مشخصی در این باره برسیم.» او با ابراز امیدواری نسبت به حل فصل این موضوع، یادآور شده که نام گذاری روزی به نام روز کوروش برای این که فرصت استثنایی برای جذب گردشگر و موجب انسجام ملی است، می تواند منجر به تقویت احساس غرور و هویت ملی شود که مورد تأیید همه دلسوزان کشور است و برای استقلال کشور نیز مورد نیاز است. «نظر ما این بود که چند کارشناس و تاریخدان روزی که تناسبی با کوروش داشته باشد را به نام او نام گذاری کنند. البته روز ۷ آبان بین مردم جا افتاده و با انتخاب این روز می توان کسانی که می خواهند نارضایتی های اجتماعی بهره برداری کنند را خلع سلاح کرد، مدیریت آن نیز کار پیچیده ای نیست.» نماینده مردم شیراز در مجلس به برگزاری مراسم روز حافظ و سعدی در شیراز هم اشاره کرده و گفته اگر همین نام گذاری نیز صورت نمی گرفت می توانست مشکلاتی را ایجاد کند. حال باید منتظر ماند و دید آیا وزارت کشور رضایت می دهد روز کوروش به تقویم اضافه شود یا خیر و بالاخره دستاوردهای کوروش می توانند در این روز به مزار آورفته و یادش را گرمی دارند؟



با اوج گرفتن تصادفات تابستانی بحث کیفیت خودروها داغ شده اما کارشناسان خودرو متهمان دیگری معرفی می کنند

غیر از پراید هیچ کس مقصر نیست؟



باقری به تعادل قیمت خودرو و کیفیت آن هم اشاره می کند و می گوید: «اول باید این را بگویم که محصولی مانند پراید تمام حداقل های استاندارد مورد نیاز برای دریافت مجوز تولید و گرفتن پلاک را دارد، به هر حال این مجوزها را سازمان استاندارد و چند نهاد معتبر دیگر صادر می کنند و وقتی یک محصول می تواند مجوزها را بگیرد، یعنی در چارچوب استانداردهای لازم بوده، اما به هر حال این خودرو همان طور که حداقل استانداردها را دارد، حداقل قیمت ها را هم دارد، اگر قرار باشد کیفیت از حد استانداردهای اولیه بالاتر برود، طبیعتاً قیمت هم بالا می رود. از طرفی پراید همان طور که اندازه، مصرف سوخت و امکاناتش نشان می دهد خودرویی نیست که ما با آن در جاده بین شهری یا لندکروز مسابقه بگذاریم یا حداکثر سرعت را هم برد کنیم، معلوم است که در چنین شرایطی اگر تصادفی رخ بدهد، خونبار خواهد بود، اما چه کسی باید جلوی این وضع استفاده از یک محصول را بگیرد؟ چه کسی باید بر ایمنی راهها و فرهنگ رانندگی نظارت کند؟»

این کارشناس خودرو می گوید: «قیمت پراید از روز اولی که تولید شده تا الان ۴ هزار و ۵۰۰ دلار بوده، زمانی که دلار ۱۲۰۰ تومان بود، پراید ۶-۵ میلیون بود، وقتی دلار رفت بالا پراید شد ۱۹-۱۸ میلیون والان که داریم صحبت می کنیم اگر همین دلار ۱۱ هزار و ۲۰۰ تومانی را در نظر بگیریم، قیمت پراید باید یک چیزی بین ۴۹-۴۸ میلیون تومان باشد، یعنی همان قیمتی که در بازار خرید و فروش می شود، اما خودرو ساز و ادار می شود که پایین تر از این قیمت بفروشد، خوب در چنین وضعیتی انتظار می رود آپشن های خودروهای بسیار گران تر از این خودرو پیاده شود؟ به هر حال ما باید بدانیم که جامعه هدف این خودرو چه کسانی هستند و توان خودرو ساز برای کاهش قیمت چقدر است.»

او که خودش هم چند سال پراید سوار بوده، می گوید: «والله ما نه تصادف کردیم و نه خودمان و خانواده مان کشته شدیم، آن زمانی که ما پراید خریدیم، خودروی دیگری نمی توانستیم بخریم و الان هم خیلی ها این طور هستند مگر ما خودروهای بسیار بهتر تولید نکرده و نمی کنیم، اما قیمت ها متفاوت است، همان طور که هدفی که پراید برای آن تولید می شود، یعنی مصرف درون شهری هم با هدف تولید خودروهای گران تر متفاوت است.»

بحث کیفیت و قیمت خودروهای ساخت داخل اصلاً بحث جدیدی نیست، اما چند روزی است که حمله به خودرو سازها داغ شده است و چهره های مختلفی در باره آن اظهار نظر می کنند، مثلاً دیروز فرمانده پلیس راه کشور با انتقاد از وضع ساخت خودروهای داخلی گفت: «بی کیفیت ترین خودروها با گران ترین قیمت به مردم فروخته می شود و طبق قانون، پلیس باید هر خودروی بی کیفیتی را ششماره گذاری کند. تأثیر این خودروها در حوادث جاده ای غیر قابل انکار است. در بیشتر موارد خودرو به دلیل این که بدنه ضعیفی داشته و از آلیاژ مقاومی تولید شده است، بدنه آن به طور کامل جمع شده و حتی نمی توان اجساد را از داخل خودرو خارج کرد.»

سردار محمدحسین حمیدی ادامه داد: «متأسفانه کنترل و نظارتی بر خودرو سازی وجود ندارد و واردات محدود است، افرادی که مسئول استاندارد، صنعت و اقتصاد هستند، در این وادی نیستند. متأسفانه شعار و حرف های پوپولیستی زیاد گفته می شود، اما در عمل مردم و پلیس در ادوار گذشته چیزی ندیدند.»

اگرچه این حرف ها بارها زده شده، اما باز هم چنین جمله هایی می تواند واکنش های متعددی جلب کند و به سرعت در شبکه های اجتماعی دست به دست شود. اما علیرضا باقری، کارشناس صنعت خودرو حرف های دیگری می زند و به بُعد دیگری از ماجرای تصادفات رانندگی اشاره می کند. او می گوید: «متأسفانه این کار خیلی باب شده که برای دور کردن آذنان عمومی از علت های واقعی اتفاقاتی مانند تصادفات رانندگی به سرعت انگشت اشاره را به سمت صنعت خودرو بگیریم و خوب در این مسیر دیواری کوتاه تر از پراید هم پیدا نمی شود، در حالی که حجم بالای تصادفات تابع علت های مختلفی است که فقط یکی از آنها وضع فنی و ایمنی خودروهاست.»

او ادامه می دهد: «در کشور ما دائماً وضع خودروها به عنوان نخستین دلیل تصادفات رانندگی قید می شود، اما کسی به علت های مهمتر که باید جلوتر از ایمنی خودروها بررسی شود، اشاره نمی کند. موضوعاتی مانند فرهنگ رانندگی و وضع راهها، ایمنی خودرو تازه بعد از بروز تصادف اهمیت پیدا می کند، اما آن چه اساساً منجر به بروز تصادف می شود، عوامل دیگر است. همین چند روز پیش یک اسپور تیج تصادف کرد و تمام پنج سرنشین آن کشته شدند، آیا ایمنی اسپور تیج مشکل داشت؟»

ارزان ترین بنزین در کدام کشورهای جهان فروخته می شود؟



بر اساس آخرین آمارهای ارائه شده، کشورهای ونزوئلا، سودان، ایران، کویت و الجزایر به ترتیب ارزان ترین بنزین را عرضه می کنند. این وضع را در تصویر اینفوگرافیکی که اعتماد آنلاین تهیه کرده می بینید.

ایفو گرافیک

هزار و ۶۸۶ حادثه طبیعی بهاری!

ادامه از صفحه اول | شواهد نشان می دهد مسیر مستندسازی در هلال هموار شده و با شفاف سازی عملیات های مالی، حصول اعتماد اجتماعی دو چندان شده است. همه اینها حاکی از بروز تعاملی دوسویه بین هلال احمر و مردم دارد. این یکی از دستاوردهایی است که منجر می شود با شنیدن خبر ثبت هزار و ۶۸۶ مورد حادثه طبیعی در کشور، ترس بر ما مستولی نشود. اما هلال فقط قسمتی از پروسه مقابله با بحران است، اگر به نقش سایر نهادها اشاره نکنیم، اما نمی توان از نقش مردم صرف نظر کرد. آن جا که باید بدانیم چگونه تابآوری خود و خانواده و خانه و شهرمان را افزون کنیم. آن جا که باید بدانیم چگونه از اخبار و آموزش های صحیح برخوردار باشیم. آن جا که چگونه کمک کردن بهنگام را بدانیم و از حضور هیجانی و خبرسازی اشتباه پرهیز کنیم. آن جا که باید قسمتی از پازل امداد و نجات باشیم. پازلی که با فکر و تجربه چینی می شود و با اطمینان می توانیم خود را در اختیار این چنین قرار دهیم. این دانسته ها را هلال به ما انتقال می دهد. بهترین است تادیر نشده مسیریان دریافت ها و آموزش ها را از کالاهای مختلف اطلاع رسانی هلال پیگیری کنیم. دستیابی به آنها خیلی سریع تر و نزدیک تر از آن چیزی است که فکر می کنیم.

بادداشت

IRIB یا صداوسیما؟

در عرصه های بین المللی حضور فعال دارد؟ اگر یک اتفاق در جهان بیفتد، جز حسینی بای، کدام خبرنگار صداوسیمایی به صحنه خواهد رفت؟ پمپتو مهم نیست و حرفش جز یک ادعای زودگذر پیشبزی ارزش ندارد (سکوت صداوسیما را به همین تعبیر می کنیم)، بولی کدام خبرنگار امضایه کننده ایرانی با سران یکی از هم پیمانان و دوستان مادر منطقه و جهان گفت و گو کرده که حالا آماده نبرد رسانه ای با مخالف شماره یک این روزهای ما باشد؟ رئیس جمهوری روسیه، عراق، ترکیه و اصلاً همین نخست وزیر زاین که به ایران آمده بود، چرا هیچکس روسه روی دوربین های IRIB ننشسته اند؟ در خواست گفت و گو با کدام چهره های سیاسی در چه اول در دوده گذشته ارسال شده و بی پاسخ مانده؟ (تلاش های شخصی و ۳۰ سال قبل عبدالشیدی را از این معادله کنار بگذاریم). دلایلش جز این است که صداوسیما مادر اغلب حوزه ها (بخصوص در بخش زبان فارسی) از یک رسانه بویا در منطقه، به یک رسانه محلی بدل شده؟ رسانه ای که در مرزهای خودش باقی بماند و به جای حضور در عرصه های جهانی به پاسخ دادن به من و تو و گاندو سازی سرگرم شود، نتیجه ای جز این ندارد. در روزهایی که باید چشپ پر باشد، برای تأثیر گذاری، دستش عجیب خالی است!

حاشیه نویسی

ادامه از صفحه اول ۲. دانشکده صداوسیما بودجه ثابت و مشخصی دارد، هیأت علمی فعالی دارد، سالانه دانشجو می گیرد، مدعی است در کار خودش (یعنی تربیت نیرو برای صداوسیما) خیره است و خوب آخرین محصول آن چه بوده؟ کدام یک از مجریان کنونی و قدیمی تلویزیون از فیلتر این دانشکده به جام جم یا گذاشته اند؟ جز این که بیشترشان بر اساس استعداد و توانایی ذاتی و خوش شناسی روی آنتن دیده شده اند؟ دانشکده ای این همه خروجی دارد، جز چند «کارشناس رسانه» چه عایدی برای آنتن داشته؟ در واقع دانشکده صداوسیما در قسمت بزرگی از ضعف های مجریان نامبرده شده در ابتدای این متن سهیم است. تجربه مصاحبه، یادگیری و تسلط به زبان بین المللی، توانایی تحلیل لحظه ای و هزار مورد دیگر به ظرف «تجربه و زمان» وابسته هست ولی چیزی نیست که روی آنتن کنونی صداوسیما به دست بیاید و جای موختش در همان دانشکده ای است که باید کارخانه تولید نیرو باشد.

۳. نام جهانی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران که در مجامع مختلف به آن شناخته می شود، IRIB است، زمانی هم مد بود در لوگوها و نشانه های صداوسیما می دیدیمش. اما این رسانه بزرگ و پهن پیکر چقدر